



مراد راه‌آبادی

دکترای اقتصاد وعضو هیئت علمی دانشگاه

یکشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۳
۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۶
۸ سپتامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۱۹
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: گزارش «شرق» از مناسبات تهران و آژانس در دولت چهاردهم • تبعیض دستمزد در مخابرات؟ • بیانیه مفهومی یونسکو به فراخور روز جهانی سوادآموزی

نگاهی به ماجرای تعطیلات در ایران که نظم و تعادل اقتصادی کشور را با تنگنای جدی مواجه کرده است

سستی درخانه‌های قرمز تقویم

گزارش تیتریک را در صفحه ۸ بخوانید



بازدید رئیس‌جمهور از قرارگاه خاتم‌الاندبیا به فصل تازه‌ای در وفاق ملی تعبیر شده است

کار ملی منهای کار جناحی

پزشکیان: می‌توانیم مشکل مدارس را در مناطق محروم برطرف کنیم، با کمک همان مناطقی که به مدرسه نیاز دارند، می‌توانیم کمبود مدارس را یک‌ساله بسازیم

یادداشت

صبح زود با مددجویان اعصاب و روان



علی ربیعی

صبح زود روز دوشنبه (هم‌زمان با رحلت رسول مهربانی‌ها و شهادت امام صبور) بر طبق قرار قبلی، راهی «مؤسسه توان‌بخشی بیماری‌های اعصاب و روان امید فردا» شدم. وقتی به آنجا رسیدم، با دیدن عمارت شکلی، مدرن و باشاه به طبق اصول علمی معماری آن، به خاطر آوردم روزی را که در اواخر سال ۱۳۹۹ و در بحران کرونا، برای کمک و همکاری، به محل ساخت این مؤسسه آمده بودم. چقدر دلگرم‌کننده بود که تلاش‌های خستگی‌ناپذیر گروهی از خیرین با مدیریت تحسین‌برانگیز خانم دکتر «مهرونوش کاوه» به ثمر نرسفته و این مؤسسه درحال حاضر پذیرای تعدادی از فرزندان این مرزوبوم است که به نوعی دچار نابسامانی‌های روحی و روانی هستند.

با نگاهی به جریان فرایند ساخت این مجموعه؛ از تأمین مالی، اخذ مجوزهایی که برای دریافت هرکدام از آنها باید اعصابی، بولادین و کشش‌هایی آهنی داشت، استفاده از تجارب نوین جهانی و به‌کارگیری استانداردهایی که از معتبرترین مؤسسات بین‌المللی وام گرفته شده، ارزش کار خانم دکتر کاوه برایم صدچندان می‌شود. این تجربه نشان می‌دهد وقتی علم و پشتکار با هم عجین می‌شوند، کارهای بزرگ و درست شکل می‌گیرد. همچنین این تجربه نشانگر آن است که اگر زمینه و فضای مناسبی ایجاد شود، بسیاری از حرکت‌های اجتماعی و حتی اقتصادی بزرگ می‌تواند شکل گرفته و به ثمر بنشیند. براساس تجاربی از این دست، تغییر سیاست‌ها به همراه وفاق با مردم، می‌تواند کام‌اول برای پیمودن مسیر شکوفایی، توسعه و گشایش‌های همه‌جانبه باشد. بنابراین باید از مداخله دولت در حوزه خصوصی و عمومی کاست. نکته درخور توجه دیگر آن است که وقتی برخی گزارش‌های مربوط به

التیام می‌بخشد یا در پی ساختن بناهایی هستند که در معرض دیدشان باشد؛ اما به خاطر داشته باشیم که ساخت مراکز درمانی و توان‌بخشی برای این‌گونه افراد و همچنین مواردی که به چشم نمی‌آیند، مانند آموزش و توانمندسازی و کمک به بازگشت این افراد به جامعه بسیار مهم و ارزشمند است؛ چراکه چنین مشکلاتی علاوه بر هزینه‌های آشکار، سبب پدیدآمدن هزینه‌های پنهانی از نظر خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی برای افراد، خانواده و جامعه می‌شوند که بسیار بیشتر از هزینه‌های آشکار آن است.

نیاز به خدمات سلامت روان و درمان و توان‌بخشی بیماری‌های اعصاب و روان به دلیل گستردگی و شیوع مشکلات اعصاب و روان که در تحقیقات مختلف شیوع آن بین ۲۰ تا ۲۷ درصد افراد جامعه برآورد شده است و با توجه به اینکه این اختلالات مانند بیماری‌های جسمی خودمحدودشونده نیست، یعنی اثرات آن تنها محدود به خود فرد و خانواده باقی نمی‌ماند بلکه اثرات آن در بسیاری از مواقع در خانواده و جامعه گسترش پیدا می‌کند و باعث هزینه‌های پنهان زیادی می‌شود که به‌سادگی قابل مشاهده نیست.

بسیاری از مسائل مبتلابه جامعه مثل احساس ناامیدی، امید نداشتن به ادامه زندگی، احساس بدبختی و درهم‌شکستن افراد تنها به دلیل مشکلات پیرامونی نبوده و با رفع آنها حل‌شدنی نیست. در بسیاری از موارد، اگر سلامت روان مناسب در فرد وجود داشته باشد، او قادر خواهد بود مشکلات و مسائل پیرامونی خود را حل کند و به جامعه و کار بازگردد. توجه به تمام این مسائل ضرورت سرمایه‌گذاری و مشارکت را در این زمینه بیشتر آشکار می‌کند.

افراد بستری‌شده را نگاه می‌کردم و داستان زندگی‌شان را از زبان خودشان یا مددکارشان می‌شنیدم، به این دریافت رسیدم که به طور کلی جامعه و خانواده‌ها، نه اطلاعات کافی در زمینه مواجهه با بیماری‌های اعصاب و روان و انواع ناتوانایی‌ها و... دارند و نه آموزشی در این زمینه می‌بینند و متأسفانه در فرهنگ عمومی جامعه نیز شیوه اجتماعی‌شدن برای چگونگی مواجهه با این افراد درای ضعف است. باید توجه داشت که خدمات پیشگیری درمانی و توان‌بخشی بیماری‌های روان می‌تواند اثرات بزرگی در بهبود روابط اجتماعی، کاهش رفتارهای مخرب خانوادگی، اجتماعی و رفتارهای مجرمانه داشته باشد؛ چراکه بسیاری از این رفتارها، نشئت‌گرفته از نبود سلامت روان و ضربه‌های روحی و روانی در دوران کودکی و نوجوانی و بزرگسالی است که به افراد وارد شده است. به‌عنوان نکته سوم این مسئله قابل توجه است که حتی در فرهنگ خیرین نیز تمایل بر آن است تا بیشتر به مراکز کمک شود که حس و حال خوب ملموسی را منتقل کنند و بیماری‌های جسمی را

یادداشت

اقتصاد ملی و نقش مخرب تکفیری‌های سیاسی



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

در دهه‌های اخیر جریان تکفیر به یکی از دشواری‌های بزرگ جهان اسلام مبدل شده و رخدای دشمنان اندیشه اسلامی در گسترش ابعاد این دشواری مشهود است. دو ویژگی تعیین‌کننده جریان تکفیر، اولی خود را حق مطلق و هر چه غیر خود را باطل محض تلقی‌کردن و دومی که مهم‌تر هم هست، اولویت‌دادن به مبارزه خونین‌آمیز با سایر فرقه‌های اسلامی و نه دشمنان جهان اسلام است. رفتاری که برخی سیاسیون و جریان‌های تندرو در فضای سیاسی کشور باب کرده‌اند، منتهی به شکل‌گیری جریان‌هایی شده است که بدون تعارف باید آن را جریان تکفیر سیاسی (در مقابل جریان تکفیر مذهبی) نامید. این جریان با خودحق‌پنداری افراطی، حتی جریان‌های فکری نزدیک به خود را هم تحمل نمی‌کند و به بیان دقیق‌تر فقط تا زمانی تحمل می‌کند که در خدمت او باشند و به اصطلاح برایش نوشابه باز کنند و طبعاً با اولین موضع‌گیری متفاوت مورد شدیدترین حملات تبلیغاتی قرار گرفته و «تکفیر» خواهند شد. نفوذ نسبی این جریان فکری در کانون‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تاکنون محدودیت‌ها و موانع بزرگی بر سر راه رشد اقتصاد ملی گذاشته و از این طریق هزینه‌های گزافی به کشور تحمیل کرده است. به بیان دقیق‌تر، این جریان فکری بعضی از پربازدهترین شیوه‌های سیاست‌گذاری برای توسعه کشور را مشمول خودتخریمی کرده که یکی از بارزترین موارد این اعمال وجود برخورداری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ارزشمند، بسیار اندک است؛ زیرا صاحبان این طرز فکر رواج صنعت گردشگری و مسراودات آزادانه بین‌ملت‌ها را «صلحت» نمی‌دانند. اما بدون تردید بزرگ‌ترین و خانمان‌براندازترین مورد خسارت در حوزه جذب و استفاده از نیروی انسانی اتفاق افتاده است. در شرایطی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌ویژه رقبای منطقه‌ای ایران در حال آزمودن شیوه‌های بدیع برای جذب و استخدام نیروی انسانی متخصص سایر جوامع هستند، ایران به‌راحتی مسیر خروج نیروی انسانی تخصصی و نخبه را از کشور هموار کرده و گویی هیچ‌گونه نگرانی از تبعات منفی پدیده فرار مغزها (و اینک فرار نیروی انسانی حتی نیمه‌ماهر) ندارد. اعمال شیوه‌های سخت‌گیرانه‌گزینی در مسیر جذب و

به‌کارگیری نیروی انسانی در همه سطوح تخصصی و مدیریتی موجب حذف بسیاری از افراد توانمند و در نتیجه محدودشدن دایره انتخاب جامعه به جمعی از افراد شده که هرچند از نظر سلیقه‌های سیاسی قابل تحمل هستند، اما لژمو‌توانایی و دانش لازم را برای تصدی امور ندارند. بعضی جملات و نقل‌قول‌هایی که در هفته‌های گذشته و هم‌زمان با بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت چهاردهم در مجلس ردوبدل شده و در رسانه‌ها انعکاس یافت، شاید به خوبی بتواند این شیوه نامعقول سالاری یا تعهد به منافع ملی به سطح استفاده از فلان واژه یا محکوم‌کردن فلان تجمع سقوط می‌کند. اما این همه ماجرا نیست؛ زیرا با تک‌شدن بیش از حد دایره انتخاب، آنان ناچار خواهند بود در مقابل تخلفات مالی و اخلاقی برخی افراد همسو سکوت کرده و زبان به توجیه بکشیند و این تازه شروع دور گسترش رفتار مالی پرخطر افراد متنفذ و معتمد است. چنین رفتار غریبی در دانشگاه‌ها منجر به حذف چهره‌های علمی و برکشیدن افرادی با کمترین دانش و سپردن کرسی‌های تدریس به این نورچشمی‌هاست. در سازمان‌های دولتی با این شیوه افرادی جواز ورود به حلقه مدیران ارشد پیدا می‌کنند که از درک درست مسائل و یافتن شیوه‌خدمندانه‌ حل آنها بسیار دور هستند و در شیوه‌نگاهداری گروهی متصدی امور می‌شوند که تنها امتیازشان وابستگی به فلان خانواده مورد اعتماد یا میدان‌داری در حوزه دفاع از شیوه‌های تندرروانه و دادن شعارهای مطلوب جریان تکفیری‌گری سیاسی است.

برگزیده‌ها

گفت‌وگوی «شرق» با محمد شریفی‌مقدم دبیرکل خانه پرستار

پرستاران لای‌منگنه

گزارش میدانی «شرق» از اعتراضات پرستاران در مشهد

رویارویی دولت چهاردهم با جریان تندرو بر سر بازگشت استادان و دانشجویان اخراجی

یک پاسخ و چند ادله روشن

پن‌تاگون می‌گوید اوکراین ظرفیت لازم را برای تغییر نتیجه جنگ ندارد

رؤیای دست‌نیافتنی زلنسکی

سکوت ادامه‌دار مسئولان درباره اقتضاح لباس

هیس! حرفش را هم نزن

نگاه

لطفاً آقای رئیس‌جمهور بخوانند!

یادداشتی از زهرا مشتاق

تضمین وفاق ملی

یادداشتی از افشین حبیب‌زاده

یادداشت

ظرفیت جذب و رؤیای توسعه



عبدالرحیم کردی

هرازگاهی در رؤیاپردازی مدیران توسعه، صحبت از پروژه‌های عظیم و تحول‌آفرین می‌شود. این پروژه‌ها اگرچه ضرورت تحقق توسعه‌های برنامه‌ریزی‌شده و الزام تحول در هر منطقه‌ای هستند، اما آنچه در کنار پیوسته‌های فرهنگی و اجتماعی و صد البته ملاحظات زیست‌محیطی برای پایداری این توسعه، با ادغام صحیح در جوامع محلی، باید در نظر مدیران اجرایی قرار گیرد. مسئله ظرفیت جذب است. به‌ویژه آنکه وقتی صحبت از توسعه می‌شود، این مقوله ناظر بر کاستی‌های تاریخی در منطقه بوده و حرکت در این مسیر مستلزم الزامات و امکاناتی است که در طی مسیر ضروری هستند. در پایه تجربه مدیریتی شخصی در منطقه آزاد چابهار، مسئله اصلی اجرای کلان‌پروژه‌ها را صرفاً داشتن طرح و ایده یا منابع مالی ندیدم. کمبود ماشین‌آلات، مصالح، رزمان تأمین و از همه مهم‌تر تأمین نیروی انسانی متخصص، پیمانکاری که توان و امکانات اجرایی و ظرفیت خالی برای کارکردن در منطقه را داشته باشد یا حتی در حين اجرای پروژه، ساده‌ترین ابزار ساخت که در کشور هم کمبود نداریم، مانند سیمان تأمین شود یا اینکه سوخت مورد نیاز ماشین‌آلات در صورت وجود خود ماشین‌آلات تأمین، مسئله اساسی و عامل تأخیر یا تعویق پروژه‌ها بود. این جنس چالش‌ها، در کنار موضوعات و مسائل بوروکراتیک دستگاه‌های اجرایی و مراجع صدور مجوز و نظارت، اجرای صحیح و به‌موقع پروژه‌های کلان توسعه‌ای را در حاله‌ای از ابهام و تردید می‌برند و نتیجه آن نابآوری مردم به کلان‌پروژه‌های توسعه است. در ادبیات توسعه، فراهم‌بودن امکان اجرای پروژه، ظرفیت جذب معنی می‌شود. اگرچه این مفهوم اولین بار در ادبیات مدیریت مطرح شده و بیشتر منابع موجود در متون دانشگاهی به کارکردهای آن در علم مدیریت دلالت دارند. اما در ادبیات توسعه که مدیریت مسئله اصلی و کارنوبی آن است نیز قابلیت بهره‌گیری دارد...

۴۳

ادامه در

صفحه ۲

۴۳

ادامه در

صفحه ۲

۴۳

ادامه در

صفحه ۵